



## بررسی عوامل مرتبط با گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی (مطالعه موردی: خانواده‌های شهر ارزوئیه در سال ۱۳۹۵)

سعید علوی<sup>۱</sup>، سید حمید رضا سادات حسینی<sup>۲</sup>، زهرا حسینی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۳۰

### چکیده

تحقیق حاضر در مورد بررسی عوامل مرتبط با گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی در خانواده‌های شهر بافت در سال ۱۳۹۵ به منظور شناخت رابطه میان نقش خانوادها در ناهنجاری اجتماعی انجام شده است و روش جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه پژوهش ساخته می‌باشد که با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیرهایی مانند مجرم بودن شوهر، محل سکونت، سطح تحصیلات و بیکاری در گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی در خانواده‌ها ارتباط دارند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد با توجه به این که خانواده جزء ارکان اصلی و شالوه جامعه محسوب می‌شود و به تعبیری تضمین آینده جامعه را می‌توان در نقش مهم خانواده هاو انجام وظایف آن‌ها دانست چنانچه انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی در خانواده شکل گیرد خود زمینه ساز شیوع آن در جامعه و ایجاد مشکلات متعددی خواهد شد و چالش‌هایی را بوجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: انحرافات، ناهنجاری‌های اجتماعی، خانواده

۱- کارشناس ارشد علوم سیاسی، عضو پژوهشگران ف.ا.ا. کرمان: ۰۰۹۱۳۲۷۹۳۰۰۱ - alavi.21@yahoo.com

۲- دانشجوی کاردانی دانشگاه علوم انتظامی: ۲۱۸۲۳۵۶

۳- کارشناس ارشد تاریخ اسلام و ایران، مدرس دانشگاه پیام نور، - z.hasani@gmail.com



## مقدمه

افزایش ناموزون جمعیت و توزیع نامتعادل، بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری و افزایش جرم و جنایت از جمله مسائلی هستند که بر میزان بزه‌کاری می‌افزاید. ارتکاب جرم و عمل خلاف به قشر اجتماعی یا جنس معینی اختصاص ندارد. زن یا مرد در جایگاه‌های مختلف و از راه‌های گوناگون فرصت‌هایی برای عمل خلاف پیدا می‌کنند. مسئله جرم و بزه‌کاری که در پس مسائل و مشکلات اجتماعی دیگر نظیر فقر و بیکاری و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی خلاصه برهم خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می‌آید منحصر به مردان نیست. زنان نیز از صدمات مشکلات اجتماعی مصون نیستند و زندگی آنان به دلیل ابعاد نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان که با توجه به ساختار طبقاتی آن‌ها شکل می‌گیرد بر اثر آن‌ها دستخوش بحران‌ها و نابسامانی‌ها می‌گردد. گذر جامعه از حالت سنتی به صنعتی همواره دارای پیامدها و تبعات بسیاری است پیامدهایی که با ناهنجاری‌های اجتماعی نمود پیدا می‌کند و شاید از بستر خانواده شروع می‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که همه مرزها را در هم می‌شکند و نهاد خانواده را نیز زیر سوال می‌برد. در این جاست که تفاوت‌های فرهنگی نمود بیشتری پیدا می‌کند و اگر با دانش و آگاهی همراه نباشد می‌تواند آسیب‌های و انحرافات زیادی را رقم بزند.

## بیان مساله

ساخت خانواده به والدین با همدیگر و با فرزندان در علت‌شناسی بزه‌کاری نقش کلی و بسیار مهمی دارد. خواه اعمال ضد اجتماعی منشاء و سرچشمه زیستی باشد یا معلول فرایندهای پیچیده اجتماعی، تحقیقات نشان می‌دهد که شرایط خانوادگی باید به عنوان یک عامل بسیار مهم و موثر در بزه‌کاری به حساب آید.

جرائم یکی از عمده مشکلات در جامعه می‌باشد اگر چه ارتکاب به جرم مشکلی چند عاملی است و نمی‌توانیم نقش عوامل فیزیولوژیک، روانی و اقتصادی، سیاسی، فرهنگ اجتماعی و خرده فرهنگ‌های گروهی را در به وقوع پیوستن آن انکار کنیم، حال در این تحقیق مساله‌ای که به آن پرداخته ایم عوامل موثر بر انحرافات اجتماعی می‌باشد موضوع مورد بحث به افرادی است که به این راه کشیده‌اند و این افراد تربیت‌کنندگان فرزندان حال و آینده فردا ما هستند و بنابراین خانواده‌ها یکی از حلقه‌های مهم در استحکام بخشیدن به نظام اجتماعی و تقویت نسل آینده مطرح است و بدون شک سقوط آن





سقوط جامعه را به دنبال خواهد داشت.

آنچه که بر ضرورت و اهمیت تحقیق می افزاید این مطلب است که با توجه به اهمیت حیاتی خانواده در سلامت جسم و روان انسانها در تمامی جوامع خانواده در معرض تهدیدها و آسیبهای بسیار است در این تحقیق مقصود آن شناختن دقیق فاکتورهای اصلی و مهم و موثر در روی آوردن خانوادهها به انواع جرایم می باشد و از آن جا که خانوادهها رکن اساسی را در جامعه اسلامی تشکیل می دهند و خود عامل اصلی در تربیت فرزندان می باشد. چه کسی می تواند بهتر از خانوادهها به تربیت فرزندان پردازد چه کسی می تواند فرهنگ صحیح را به آنها بیاموزد؟ و یا از نظر عاطفی و روانی آنها را تأمین کند. به این دلیل رسیدگی به انحرافات خانوادهها و تحقیق و پژوهش در مورد آنان از اهمیت بالایی برخوردار است. تردیدی نیست که انسان فردا و انسانی که به فردا می اندیشد انسانی خواهد بود که جامعه نیازمند آن است و در این مرحله خانواده به عنوان یکی از پایه های اساسی در استحکام بخشیدن به نظام اجتماعی و تربیت نسل آینده از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. از این رو ضروری است که آفات نسبت به خانوادهها را به خوبی شناخت و در مقابل آنها ایستاد.

### سوالات تحقیق

- چه رابطه ای میان مجرم بودن همسر در خانوادهها و ارتکاب جرم وجود دارد؟
- چه رابطه ای میان تحصیلات در خانوادهها و ارتکاب جرم وجود دارد؟
- چه رابطه ای میان بیکاری خانوادهها و ارتکاب جرم وجود دارد؟
- چه رابطه ای میان محل سکونت در خانوادهها و ارتکاب جرم وجود دارد؟

### فرضیات تحقیق

- به نظر می رسد میان مجرم بودن همسر در خانوادهها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد میان تحصیلات در خانوادهها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد میان بیکاری خانوادهها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد میان محل سکونت در خانوادهها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

### پیشینه و مفاهیم تحقیق

مفهوم آسیب اجتماعی: آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جمعی رسمی یا غیر رسمی





جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد و به همین دلیل، کج روان سعی دارند کج روی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند. زیرا در غیر اینصورت با تعقیب قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند.

آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های متنوع، نسبی و متغیراند. پرخاشگری، اعتیاد، فرار از خانه، روابط نامشروع و... نمونه‌ای از آسیب‌های اجتماعی جامعه امروزی ما هستند که کم و کیف آن‌ها بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند.

آسیب‌های اجتماعی قابل درمان و پیشگیری‌اند. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای موقوف به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحمل آسیب‌ها در آن جامعه و به کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۴).

### آسیب‌های اجتماعی و نقش خانواده در کاهش آسیب‌ها

مطالعه انحرافات و کجروی‌های اجتماعی و به اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی عبارتست از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه‌های پیش‌گیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمار گونه و نابسامانی اجتماعی است (ستوده، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۴).

به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بیند. یعنی آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پابندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می‌شود. سازمان و یا هر جامعه‌ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش‌ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می‌شوند که از پاره‌ای از این هنجارها و ارزش‌ها تبعیت نمی‌کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، هم‌نوا و یا



سازگار و افرادی که بر خلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان‌ها پای بند نباشند افرادی ناهمنوا و ناسازگار می‌باشند. در واقع کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زود گذر و گذرا نباشد کجرو یا منحرف نامیده می‌شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا کجروی اجتماعی گویند (همان).

حال سوال این است که آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می‌آیند و عوامل پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی کدامند؟ بررسی و ریشه‌یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند، متاثر از مجموعه‌ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می‌کند.

عوامل بوجود آورنده انحراف و کج روی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم شدت و ضعف، تعداد و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت‌ها را می‌توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله‌های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز تفکر و نگرش خاص حاکم است که هر یک از این‌ها در حسن رفتار و یا بد رفتاری افراد موثر است. شهر نشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورم و گرانی هزینه‌های زندگی، موجب می‌شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می‌توان فقر، بیکاری، تورم و شرایط بد اقتصادی را نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه‌ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ص ۷۵-۸۰).

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز می‌تواند موثر باشد:

عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و...

عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی،





قدرت طلبی، کم رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری‌های روانی و... عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و... عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه‌ها، مهاجرت، جمعیت و...

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز موثر باشد، از این رو نمی‌توان به یک باره فرد بزه‌کار را به عنوان علت العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت. اگر فرد، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفریح دست به بزه‌کاری بزند، این کار وی کم کم زمینه‌ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزه‌کاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزه‌کارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزه‌کار افرادی هستند که همه زمینه‌ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهم‌ترین عامل در انحراف افراد ارتکاب عمل نابهنجار، فردی است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزه‌کاری می‌شود، چرا که فردی که می‌خواهد اولین بار دست به بزه‌کاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید. دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می‌آورد.

فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزه‌کاری است. در عین حال، به طور مشخص می‌توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه‌های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد، عواملی که نقش بسیار تعیین کننده‌ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می‌کنند. در عین حال مهم‌ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقش تعیین کننده‌ای در این زمینه بازی می‌کنند.

### مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های روان شناختی اجتماعی انحراف: فرد به عنوان موجودی اجتماعی همواره در کنش متقابل با افراد دیگر است و رفتار بهنجار و نابهنجار نتیجه فرآیندهای دایمی کنش متقابل بین اعضای جامعه است. محیط اجتماعی رفتار فرد را متأثر، محدود، کنترل، تعدیل و تغییر می‌دهد. روان شناسی اجتماعی از یک سو هنجارهای بر روابط و رفتارهای متقابل اجتماعی و از سوی دیگر رفتار فرد را در جمع و چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن فرد از سوی جمع را مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌های روان شناسی اجتماعی انحراف، بزه‌کاری



و جرم را بر اساس ابعاد کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین فرد در فرآیند مشاهده و یادگیری رفتار انحرافی، تقلید و الگو سازی از افراد منحرف، کنترل‌های درونی و بیرونی و جامعه پذیری ناقص و تغییر هویت که به علت برچسب‌های اجتماعی در وی به وجود می‌آید مرتکب اجتماعی اجتماعی رم و بزه‌کاری می‌شود. (اشرف، ۱۳۵۵: ۷۱)

## نظریه کنترل

نظریه کنترل از نظریات مهم در رابطه با انحرافات اجتماعی محسوب می‌شود که در تبیین آسیب‌های اجتماعی و علل و عوامل موثر بر آن کاربرد بسیار دارد این نظریه انحراف را نتیجه شکست کنترل اجتماعی می‌داند. (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزه‌کارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه هم چنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌داند، بنابراین بزه‌کاری و جرم، از یک سو محصول عوامل فردی کنترل نظیر ناکامی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر نظام‌های ناقص کنترل اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می‌شود (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

هر چه همبستگی در خانواده‌ها بیشتر باشد کنترل اعضای خانواده نیز بیشتر است و افراد رفتار انحرافی کمتری را از خود بروز می‌دهند. به طور کلی کسانی که با محیط اجتماعی خود همبستگی دارند تمایل بیشتری به تبعیت از مقررات (محیط) خود دارند در حالی که کسانی که از اجتماع خود بریده‌اند و همبستگی چندانی با آن ندارند ممکن است تمایل به نقض مقررات آن داشته باشند.

به طور کلی، نبود کنترل‌های شخصی و اجتماعی موجب پیدایش بزه‌کاری و جرم می‌گردد. کنترل‌های اجتماعی از کنترل‌های رسمی نظیر قوانین و کنترل‌های غیر رسمی همچون ضمانت‌های اجتماعی منتج می‌شوند. برخی از مقوله‌های کنترل برای تحلیل بزه‌کاری در خانواده‌ها بشرح ذیل است:

- ۱- کنترل مستقیم: که والدین آن را از طریق تنبیه و تشویق اعمال می‌کنند.
- ۲- کنترل غیر مستقیم: که به وسیله آن جوانان از رفتار بزه‌کارانه خودداری می‌کنند، زیرا این رفتار ممکن است موجب نگرانی و ناامیدی برای والدین یا دیگرانی باشند که با آن‌ها روابط نزدیکی دارند.



۳- کنترل درونی، که به وسیله آن آگاهی از احساس تقصیر و گناه و شرم جوانان را از درگیر شدن در رفتار بزه‌کارانه باز میدارد.

## کنترل‌های شخصی

بازدارنده یا کنترل‌های درونی به توانایی‌های درونی برای نظارت بر "خود" شخص ارجاع داده می‌شود. خود انگاره خود پنداره و خود ادراکی از مولفه‌های توانایی‌های درونی است که زمینه را فراهم می‌سازند تا فرد خودش را به عنوان فردی مسئول درک نموده و مسئولانه عمل نماید و در نتیجه مرتکب رفتار انحرافی نشود. سطح بالای اهداف و آرمان‌ها و آرزوهای هماهنگ و هم‌خوان با ارزش‌ها و قوانین جامعه از عوامل بازدارنده بزه‌کاری و جرم است. این عوامل در جهت کمک به افراد به منظور پرهیز از تخطی از قوانین عمل می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۰: ص ۵۷).

## کنترل‌های اجتماعی

اگر چه تحقیقات تجربی بازدارنده‌های شخصی و درونی را در رفتار انحرافی، به ویژه در بزه‌کاری جوانان موثر می‌داند، ولی در شرایطی که عوامل اجتماعی و محیطی نظیر خانواده، مدرسه و گروه‌های همسالان فعال هستند عوامل درونی و شخصی به تنهایی قادر به کنترل رفتار فرد نیستند.

بنا بر این، هر چه شخص کمتر به هنجارهای عادی معتقد باشد و کمتر خود را درگیر فعالیت‌های متداول نماید احتمال بیشتری وجود دارد که هنجارها را نقض و مرتکب رفتار بزه‌کارانه شود.

علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می‌توان به سه دسته عمده تقسیم نمود: ۱- عوامل معطوف به شخصیت ۲- عوامل فردی ۳- عوامل اجتماعی.

## عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ویژگی‌های شخصیتی افراد بزه‌کار و کجرو: معمولاً ویژگی‌های شخصیتی افراد بزه‌کار، بی‌قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است. ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در موقعی





خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی‌شود. افراد روان رنجور نسبت به ارزش‌ها، هنجارها. مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آن‌ها را رعایت می‌کنند. اعمال و شیوه‌های رفتاری این گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می‌کند و موجب می‌شود که رعایت ارزشهای اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زین سوال رفته و آن را به پایین ترین سطح عمل تنزل دهد.

## عوامل فردی

در حوزه عوامل فردی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- آرزوهای بلند
- ۲- خوش گذرانی و لذت طلبی
- ۳- قدرت، استقلال و عافیت طلبی
- ۴- زیاده خواهی
- ۵- بی بند و باری و لا ابالی گری
- ۶- بی هویتی و بی هدفی در زندگی

افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله‌ای که رسانه‌های ملی و یا با ماهواره تبلیغ می‌کنند، مرتکب جرایم می‌شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را فقط یک کار تفننی و به عنوان گذران اوقات فراغت می‌دانند با این که ممکن است در خانه و محیط اطراف مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار نابهنجار نماید، ولی فقط به خاطر این که در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می‌زنند. گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می‌شوند خود را به گونه‌ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح « خودی » نشان دهند و این حکاين از ميل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند (بی نا، ش ۱۴۹: ۴).

## عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می‌پردازیم. عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در این جا به



برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

## عدم پای بندی خانواده‌ها به آموزه‌های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندان‌شان به فساد و بزه‌کاری روی نمی‌آورند بنابراین افزایش انحرافات اجتماعی می‌تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده‌ها به آموزه‌های دینی باشد.

## آشننگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه‌های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزه‌کاری و انحرافات اجتماعی و گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده‌ها پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می‌گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلا عاطفی فرزندان فراهم می‌کند.

در برخی از خانواده‌ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق، جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده‌ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی نداشته، در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملايمات می‌شوند (بی‌نا، ش ۱۷۷۳، ۱۴)

## طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزه‌کار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهر آمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مد نظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می‌برند، نیز از سوس افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می‌شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید برای رهایی از این گ. نه بی‌مهری‌ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحراف





## بیکاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه‌های مهم بزه‌کاری و کج روی افراد یک جامعه است. بی کاری باعث می‌شود که افراد بیکار جذب مراکز تجمع افراد بزه‌کار شده و به تدریج به دامان انواع کج روی‌های اجتماعی کشیده شوند. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بیکاری و فقر برافزایش بزه‌کاری دارد (نجفی، ۴۸: ۱۳۷۰).

## فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزه‌کاری و ارتکاب انحراف اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل، تأمین پوشاک مناسب و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سر خوردگی ناراحتی‌های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوا طلبی را در فرزندان فراهم می‌سازد. در نتیجه بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری‌ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند.

## دوستان ناباب

گروه دوستان و همسالان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای این که مقبول جمع دوستان و همسالان شود و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است در غیر این صورت از آن جمع طرد می‌شود. از این رو به شدت متاثر از آن گروه می‌گردد. تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد با آن گروه را قطع کرد.

## محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیر گذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزه‌کاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم



و ارتکاب رفتار بزه‌کارانه سوق می‌دهد.

در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می‌رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزه‌کار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی‌های آن اسیر می‌شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه‌های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود. بنابراین محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین‌کننده و موثری ایفا می‌کند و رفتار انسان که نشان از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است (رونالوس، ۱۳۶۸: ۶۳).

### فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحراف اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت‌ها و تبعیض‌های ناشی از فقر فرهنگی می‌باشد. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده) سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، نا آگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، عدم هم‌نواپی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیر رسمی جامعه، هنجار شکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دو چندان می‌کند. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و چپسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود. تبعیض در خانه با ورعیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران‌ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می‌کند و با ایجاد بحران‌های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس‌العمل‌های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می‌دهد. همان‌گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می‌تواند عامل بروز ناهنجاری‌های



رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می‌تواند زمینه بروز ناهنجاری‌های رفتاری در آنان شود. در شیوه فرزند سالاری، اغلب تمایلات و خواسته‌های فرزندان محفف می‌شود، از این رو به محض ایجاد مشکلات و بحران‌ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می‌شود و یا در شرایطی که خواسته‌های فرزندان به افراط می‌گراید و والدین با آن مخالفت می‌نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و بی‌تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری از والدین و اعضای خانواده می‌گردد و سرانجام می‌تواند زمینه ارتکاب انواع جرایم را فراهم نماید. (بی‌نا، ش ۱۵: ۶۵)

## رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب می‌تواند از جمله مولفه‌های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزه‌کاری و رفتارهای انحرافی باشند. بخش شمار قابل و توجهی از سریال‌های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، با مضامین زندگی مجرد گونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و یا بطور کلی با تصویر سازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم گسیخته، نقش موثری در تقویت انگیزه و گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی‌بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسایل جنسی حایز اهمیت است (اشرف میرزا، ۱۳۹۳: صص ۴۲-۳۰).

## پیشینه تحقیق

شهین علیایی در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان از طریق مقایسه بین دو گروه زنان منحرف و زنان بهنجار جامعه پرداخته است و بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، بیسوادی، فقر اقتصاد و وجود افراد منحرف در خانواده مهم‌ترین عوامل در گرایش زنان به بزه‌کاری محسوب می‌گردد.

غلامعباس توسلی در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط میان میزان مشارکت اجتماعی افراد با انحرافات اجتماعی می‌پردازد و نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل عمده در بروز اکثر انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، احساس سرخوردگی از جامعه و یا به گونه‌ای دیگر احساس انزوای اجتماعی است که می‌توان آن را نتیجه عدم



عالیه ابراهیمی به بررسی انواع جرم در سنین مختلف پرداخته است و نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده این است که بین سن و انواع جرم رابطه معنی داری وجود دارد مورد خانواده‌های آسیب دیده در معرض طلاق اینگونه بیان می‌دارد که این نوع خانواده‌ها از نوع خانواده‌های طلاق گرفته و گسسته، خانواده‌های دارای فرد یا افراد معتاد، خانواده‌های تک والدی و خانواده‌های ورشکسته به لحاظ اقتصادی هستند. این جامعه شناس با هشدار نسبت به این که خانوابدین ترتیب که هر چه سن مجرم با لاتر می‌رود ارتکاب جرم بیشتر می‌شود و فرد جرائم سنگین تری را انجام می‌دهد و عواملی همچون فقر اقتصادی، کمبود عاطفی در خانواده، دوستان ناباب نیز در ارتکاب افراد به جرم موثر می‌باشند.

دهقان فرد در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر انواع روابط در خانواده بر خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۳» که با استفاده از روش پیمایشی در مورد نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ نفر از زنان متأهل که دست کم دارای دارای یک فرزند و ساکن شهر تهران بودند انجام داد به بررسی رابطه خانوادگی و خشونت علیه این زنان پرداخته است یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین این نوع روابط (همکاری، همدلی، همفکری، همگامی، گفتمانی) با خشونت علیه زنان رابطه معنی و معنی داری وجود دارد. همچنین بین شیوه جامعه شناسی نقش‌های جنسیتی زن و مرد، سرمایه‌ها و منابع در دسترس زنان و زمینه‌های خطر ساز (شکل روابط) در خانواده مبدا (یعنی خانواده‌ای که در آن به عنوان دختر یا پسر متولد می‌شویم و رشد می‌کنیم) با خشونت علیه زنان رابطه معنی داری وجود دارد. مهدی زاده (۱۳۸۶) در پژوهشی نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین، باعث بهبود تعاملات زوجین می‌شود. با آموزش شیوه‌های کار آمد گوش دادن، صحبت کردن، ارائه پاسخ‌های غیر کلامی موثر می‌توان کیفیت رابطه بین زوجها را ارتقاء داد.

## روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از دو روش برای گرد آوری اطلاعات استفاده شده است: در روش اسنادی؛ با مراجعه به کتب و منابع موجود از جمله پایان نامه‌ها، مجلات تخصصی و کتب در مورد دینداری و امنیت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت و براین اساس قسمت‌های اولیه پژوهش تدوین گردید و همچنین در روش پیمایشی؛ در این روش با مشخص کردن جامعه آماری و تعیین حجم نمونه، از تکنیک پرسشنامه استفاده شد و با توجه به آن سوالات مورد نظر مطرح و پس از تکمیل آنها، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمایش قرار گرفتند.



## یافته های تحقیق

### فرضیه ۱

به نظر می‌رسد بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

$H_0$ : بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول و مقدار  $\text{sig} = 0.030$  به دلیل این که مقدار آن  $0.05$  کمتر است بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و این رابطه مستقیم می‌باشد و همبستگی مثبت خواهد بود بنابراین  $H_0$  رد و  $H_1$  پذیرفته می‌شود.

جدول ۱- آزمون همبستگی پیرسون

میزان ارتکاب جرم	مجرم بودن شوهر	
میزان ارتکاب جرم	همبستگی پیرسون	
$0.030$	$0.030$	Sig. (2-tailed)
$0.030$	$0.030$	تعداد
$0.030$	$0.030$	
مجرم بودن شوهر	همبستگی پیرسون	
$0.030$	$0.030$	Sig. (2-tailed)
$0.030$	$0.030$	تعداد
$0.030$	$0.030$	

### فرضیه ۲

به نظر می‌رسد میان تحصیلات در خانواده‌ها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

$H_0$ : بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول و مقدار  $\text{sig} = 0.007$  به دلیل این که مقدار آن  $0.05$  کمتر است بین سطح تحصیلات زنان و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و این رابطه معکوس می‌باشد و همبستگی منفی خواهد بود یعنی هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد میزان ارتکاب جرم کمتر است بنابراین  $H_0$  رد و  $H_1$  پذیرفته می‌شود.

جدول ۲- آزمون همبستگی پیرسون

میزان ارتکاب جرم	مجرم بودن شوهر	
میزان ارتکاب جرم	همبستگی پیرسون	
$0.007$	$0.007$	Sig. (2-tailed)
$0.007$	$0.007$	تعداد
$0.007$	$0.007$	
سطح تحصیلات	همبستگی پیرسون	
$0.007$	$0.007$	Sig. (2-tailed)
$0.007$	$0.007$	تعداد
$0.007$	$0.007$	



### فرضیه ۳

به نظر می‌رسد میان بیکاری در خانواده‌ها و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

$H_0$ : بین بیکاری و ارتکاب جرم رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین بیکاری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول و مقدار  $\text{sig}=0.36$  به دلیل این که مقدار آن  $0.05$  کمتر است بین بیکاری و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد بنابراین  $H_0$  رد و  $H_1$  پذیرفته می‌شود.

جدول ۳- آزمون همبستگی پیرسون

میزان ارتکاب جرم	میزان ارتکاب جرم	مجرم بودن شوهر
میزان ارتکاب جرم همبستگی پیرسون	.۰۰۰ .۱	.۰۸۳
Sig. (2-tailed)	.۰۰۰ .۹۱	.036
تعداد		۸۷
بیکاری همبستگی پیرسون	.۰۶۳ .	.۰۰۰ .۱
Sig. (2-tailed)	.036	.۰۰۰ .۸۷
تعداد	۸۷	

### فرضیه ۴

به نظر می‌رسد بین محل سکونت مجرم و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

$H_0$ : بین محل سکونت مجرم و ارتکاب جرم رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول و مقدار  $\text{sig}=331$  به دلیل این که مقدار آن  $0.05$  بیشتر است بین محل سکونت مجرم و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد بنابراین  $H_1$  رد و  $H_0$  پذیرفته می‌شود.

جدول ۴- آزمون همبستگی پیرسون

میزان ارتکاب جرم	میزان ارتکاب جرم	مجرم بودن شوهر
میزان ارتکاب جرم همبستگی پیرسون	.۰۰۰ .۱	.۰۱۰۴ -
Sig. (2-tailed)	.۰۰۰ .۹۱	.331
تعداد		۹۰
محل سکونت همبستگی پیرسون	.۰۱۰۴ -	.۰۰۰ .۱
Sig. (2-tailed)	.331	.۰۰۰ .۹۰
تعداد	۹۰	





## نتیجه گیری

به طور کلی با توجه به این که خانواده جزء ارکان اصلی و شالوه جامعه محسوب می‌شود و به تعبیری تضمین آینده جامعه را می‌توان در نقش مهم خانواده ها و انجام وظایف آن‌ها دانست چنانچه انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی در خانواده شکل گیرد خود زمینه ساز شیوع آن در جامعه و ایجاد مشکلات متعددی خواهد شد و چالش‌هایی را بوجود می‌آورد. در این تحقیق در تحلیل داده‌ها در چارچوب فرضیه‌ها با استفاده از آمار استنباطی و مدل آماری ضریب همبستگی ساده پیرسون نتایج زیر به دست آمد: بین بیکاری و ارتباط جرم رابطه وجود دارد، هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد میزان ارتکاب جرم کمتر است، بین محل سکونت مجرم و ارتکاب جرم رابطه وجود ندارد، بین مجرم بودن شوهر و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد. که یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیرهایی مانند مجرم بودن شوهر، محل سکونت، سطح تحصیلات و بیکاری در گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی در خانواده‌ها ارتباط دارند.

## منابع و مأخذ

- اشرف، احمد، (۱۳۵۵)؛ کژ رفتاری مسائل انسانی: تهران، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- آقابخش، حبیب‌الله. (۱۳۷۹)؛ اعتیاد و آسیب شناسی خانواده، تهران: انتشارات آفرین.
- اشرف میرزا، عماد. (۱۳۹۳)؛ بررسی جامعه شناختی نقش نهادهای مشاوره در کاهش آسیب‌های اجتماعی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۹)؛ آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ دهم.
- رونالوس، المینگرت. (۱۳۶۸)؛ کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوابی نژاد: تهران، انتشارات رشد.
- شیخ اسدی، رسول. (۱۳۹۰)؛ بررسی عوامل مرتبط با گرایش به بزه کاری.
- نجفی، علی حسین. (۱۳۷۰)؛ بزه کاری و شرایط اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹.
- بی نا، (۱۳۸۰)؛ مجله زن روز، ش ۱۷۷۳.
- بی نا، (۱۳۸۰)؛ مجله ایران جوان، ش ۱۴۹.

